

## مسئله جانشینی در شاهنامه‌های مصور سه شاهزاده تیموری (شاهنامه‌های بایسنقری، ابراهیم سلطان و محمد جوکی)

اکرم احمدی توانا\* فتانه الماسی\*\*

### چکیده

در حکومت‌های مختلف و در دوره زمامداری حاکمان متفاوت در ایران، پذیرش متن سیاسی و شاهانه شاهنامه و افزودن معانی تازه از طریق تصاویر، نوعی مشروعیت سیاسی - فرهنگی برای سفارش دهنده‌های شاهنامه‌های مصور همراه داشت. در دوره تیموری و حکومت شاهرخ، سه فرزند او که در پایتخت یا در نواحی دیگر به‌عنوان حاکمان محلی، کتابخانه‌های فعال برای مصورسازی کتاب داشتند، سفارش شاهنامه توجه ویژه‌ای داشت. ابراهیم سلطان در شیراز، بایسنقر و محمد جوکی در هرات، هر کدام در کتابخانه‌های خود نسخه خطی شاهنامه با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی سفارش دادند. این شاهنامه‌ها از وجوه مختلف قابل بحث هستند. هدف از پژوهش حاضر، دریافت میزان تمایل این شاهزاده‌ها به جانشینی پدر است، چراکه هر سه پیش از پدر از دنیا رفتند و هرگز دستشان به تاج و تخت پادشاهی نرسید. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: در چه موقعیتی هر سه شاهزاده تیموری (فرزندان شاهرخ) شاهنامه‌های مصور سفارش داده‌اند؟ چگونه از طریق موضوعات نگاره‌های شاهنامه‌های مصور می‌توان به انگیزه پادشاهی و جانشینی پدر پی برد؟ با فرض پذیرفتن اینکه شاهنامه‌های مصور متأثر از زمینه‌های پیدایش خود هستند، چگونه می‌توان نگاره‌ها را در این راستا تحلیل کرد؟ و در نهایت چرا سفارش دهندگان، برای بیان آرزوی خویش از شاهنامه بهره برده‌اند؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، به مطالعه تطبیقی نگاره‌های این سه شاهنامه پرداخته و جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. در پایان، یافته‌ها نشان می‌دهند که شاهنامه‌های برادران تیموری با داستان‌هایی که برای مصور شدن انتخاب کرده‌اند، به شکلی بیانیه سیاسی سفارش دهندگان و نشان دهنده ذهنیت آن‌ها نسبت به مسئله جانشینی و در نهایت پادشاهی هستند.

**کلیدواژه‌ها:** جانشینی، شاهنامه‌های مصور، ابراهیم سلطان، بایسنقر میرزا، محمد جوکی

## مقدمه

امروزه با توجه به نظریه‌های بافتارمحور در مطالعه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی، متأثر بودن هر متن از زمینه‌های پیدایش آن امری بدیهی است. برای آگاهی از شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، به‌خصوص از مقاطع و دوره‌هایی که اسناد مکتوب چندانی برای مطالعه و شناخت آن‌ها باقی نمانده، متون تصویری - تاریخی بسیار به کار می‌آیند. با توجه به این نکته، مقاله پیش‌رو بر این فرض استوار است که به‌دلیل ماهیت سیاسی متن شاهنامه، تولید نسخه‌های خطی آن نیز متأثر از شرایط سیاسی دوران و حاوی پیام‌های سیاسی آشکار و نهان است. به‌این ترتیب، تحلیل شاهنامه‌های مصور در میان اسناد تاریخی متعدد، به‌عنوان سندی برای شناخت شرایط سیاسی و پاسخ به سؤالاتی در زمینه مناسبات قدرت در جامعه آن روزگار، خواننده معاصر را به‌سوی کشف برخی از وجوه تاریخ هدایت می‌کند.

در حکومت تیموریان و زمان پادشاهی شاهرخ، سه فرزند او، ابراهیم سلطان (۸۳۸-۷۹۶ ه.ق. / ۱۴۳۵-۱۳۹۴ م.)، بایسنقر<sup>۱</sup> میرزا (۸۳۷-۸۰۲ ه.ق. / ۱۴۳۳-۱۳۹۹ م.) و محمد جوکی (۸۴۸-۸۰۴ ه.ق. / ۱۴۴۴-۱۴۰۲ م.) چه به‌عنوان حاکمان نواحی مختلف، چه در هرات زیر نظر پدر به کار کشورداری مشغول بوده‌اند. امروزه سه شاهنامه از این سه برادر در نقاط مختلف دنیا باقی مانده است که به‌دلیل هم‌زمانی و ارتباط میان سفارش‌دهندگان، برای مخاطب امروزی دارای اهمیت هستند. اقدام به تولید شاهنامه‌های مصور به دست سه شاهزاده‌ای که حامی جدی تولید نسخه‌های خطی بوده‌اند، در یک بازه زمانی حدود بیست‌ساله، محل تأمل و مذاقه است. این برادرها در چه مقاطع تاریخی و موقعیتی به سفارش شاهنامه‌های مصور اقدام کرده‌اند؟ کدام مؤلفه‌های تصویری، این سه نسخه خطی را که یک متن واحد دارند، از هم متمایز می‌کند؟ آیا هر کدام از آن‌ها دو نسخه دیگر را دیده بودند؟ رویکرد و دریافت هر کدام از این برادرها در مورد شاهنامه‌های دو برادر دیگر چه بوده است؟ با توجه به اینکه کتابخانه و مدیر هنری برای خلق نسخه‌های خطی متأثر از حامی مالی بوده‌اند، پس مراجع قدرت سیاسی در روند خلق نسخه‌های خطی، تأثیر انکارناپذیر داشته‌اند. این مسئله را در پیام هر نسخه خطی مصوری می‌توان یافت. پیام نسخه خطی به تعبیر گرابار (Grabar, 1992: 14)، نحوه انتخاب موضوعات برای تصویرگری است. به‌این ترتیب، متن شاهنامه موقعیت مناسبی برای ارسال و دریافت پیام‌های سیاسی است. در اینجا هر شاهزاده با انتخاب داستان‌ها و بخش‌های خاص

شاهنامه برای به تصویر کشیدن، به‌دنبال چه پیام ویژه‌ای بوده است؟ به این منظور از یک سو مطالعه نسخه‌ها و از سوی دیگر، پژوهش در میان منابع و گزارش‌های تاریخی باقی‌مانده از دوره تیموری، در کشف چگونگی مناسبات درباری، جانشینی‌ها و راه‌ورس‌م تعیین ولیعهدها و بیانیه‌های در لفافه پیچیده‌شده این شاهزادگان، کمک‌کننده خواهد بود.

این مقاله با توجه به مطالعات تاریخی معاصر باور دارد که روایت تاریخی یگانه‌ای وجود ندارد. هر بار هر مورخ در هر متن و در اینجا هر سفارش‌دهنده و مدیر هنری از منظر خود روایتی تازه از واقعه یا متنی واحد تولید می‌کند. در پژوهش حاضر، هدف این است که با مطالعه بینامتنی روایت‌های تصویری این سه شاهزاده و گزارش‌های تاریخی موجود، دریافتی از مناسبات قدرت در دوره شاهرخ و تمنای فرزندانش برای رسیدن به مقام پادشاهی ایجاد شود و همچنین از آنجایی که علاقه بدیهی شاهزادگان به پادشاهی که جسارت و فرصتی برای ابراز مستقیم نداشته‌اند، امروز از طریق موضوعات شاهنامه‌های مصور مورد مطالعه قرار بگیرد؛ گویی این نسخه‌ها کالا یا ماده‌ای عینی برای نمایش ذهنیت‌هایی هستند که تا امروز موقعیت دیگری برای شنیدن و فهمیدن آن‌ها پیدا نشده است. از مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر این‌ها هستند: هر شاهزاده چه داستان‌هایی را برای مصور کردن شاهنامه خود انتخاب کرده است؟ با انتخاب آن داستان‌ها به‌دنبال انتقال چه پیام ویژه‌ای بوده است؟ هر یک از این برادران به چه میزان و چگونه خیال پادشاهی و جانشینی پدر را در سر داشته‌اند؟ با فرض پذیرفتن اینکه شاهنامه‌های مصور متأثر از زمینه‌های پیدایش خود هستند، چگونه می‌توان در این نسخه‌ها رویکرد شاهزاده‌ها به جانشینی را دریافت؟ چرا با وجود رواج تألیف متون تاریخی در آن عصر، آن‌ها از متن شاهنامه برای بیان تمایل خود به جانشینی و قدرت استفاده کرده‌اند؟ به این منظور، از یک سو مطالعه نسخه‌ها و از سوی دیگر، پژوهش در میان منابع و گزارش‌های تاریخی موازی و باقی‌مانده از دوره تیموری، در کشف چگونگی مناسبات درباری، جانشینی‌ها و راه‌ورس‌م تعیین ولیعهدها کمک‌کننده خواهد بود. برای همین، ابتدا در منابع تاریخی جایگاه سیاسی شاهزادگان و چگونگی ولیعهدی و تفویض قدرت در دوره تیموری بررسی شده است، سپس سفارش شاهنامه و کتاب‌های تاریخی در این خاندان و به‌طور مشخص، سه شاهنامه متعلق به این سه شاهزاده مطالعه شده‌اند. پس از آن، سه مؤلفه صحنه‌های درباری، نگاره‌هایی با موضوع پدر و پسر و همین‌طور برادرها برای ارتباط این نسخه‌ها با مسئله جانشینی با توجه به گزارش‌های تاریخی تحلیل شده‌اند. این پژوهش از این‌رو اهمیت و ضرورت دارد که

بسیار دیده می‌شود، اما پژوهشی که به‌طور مشخص و مستقیم به مقایسه معنایی میان این سه شاهنامه بپردازد، یافت نشد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با نگاهی نو لایه معنایی فراتر از ساختار ظاهری نگاره‌ها مورد کاوش و بررسی قرار بگیرد تا با استفاده از این رویکرد، بتوان شرایط اجتماعی - سیاسی یک دوره و تمایلات به‌زبان‌نیا شده را که در قالب تصویر بیان شده‌اند بازخوانی کرد.

### روش و رویکرد پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است که با روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه تطبیقی نگاره‌هایی که در سه شاهنامه ابراهیم سلطان، بایسنقری و محمد جوکی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند بپردازد تا (۱) میزان تمایل شاهزادگان تیموری را برای جانشینی پدر مورد بررسی قرار دهد، (۲) مشخص شود که شاهنامه‌های مصور تا چه اندازه برای آن‌ها بیش از یک متن ادبی، حماسی و ملی کارا بوده است. برادران تیموری چگونه با استفاده از چنین بستری با مصور کردن مضامین منتخب خود برای بیان امیالشان از شاهنامه‌های مصور بهره گرفته‌اند؟ منابع این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. این سه نسخه شاهنامه از دوره تیموری با توجه به قرابت‌های متعدد، از جمله زمان تولید، سفارش‌دهنده و گروه هنرمندان انتخاب شده‌اند. علاوه بر این، متون حوزه‌های مطالعاتی دیگر که به‌صورت موازی به این مقطع تاریخی رجوع کرده‌اند، در شبکه‌ای بینامتنی برای تحلیل نسخه‌ها به کار آمده‌اند.

### جایگاه سیاسی شاهزادگان: آیا رقابتی برای ولیعهدی وجود داشت؟

با اینکه در منابع تاریخی می‌توان به دوراندیشی و نگرانی تیمور و همین‌طور تصمیمات متعدد او برای آینده حکومتش پی برد، در حکومت تیموریان رقابتی که برای جانشینی پس از مرگ او آغاز شد، هرگز به پایان نرسید. پیش از مرگ تیمور، دو فرزند ارشد او، یعنی عمر شیخ و میرزا جهانگیر، از دنیا رفتند و او نوه‌اش، پیرمحمد، فرزند جهانگیر را ولیعهد خود معرفی کرده بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳: ۴۹۰). اساساً تیمور که چندان امیدی به دو پسر دیگرش، یعنی میران شاه و شاهرخ نداشت، تا زمانی که زنده بود، تربیت نوادگانش را خود به عهده گرفت و همسران و ملازمانش مسئول این کار بودند (منز، ۱۳۹۳: ۳۷). اهمیت این امر در اداره حکومت‌های محلی کوچکی که به افراد خانواده یا دیگر نزدیکانش می‌سپرد، در آینده قلمرو مشخص می‌شود. به‌هرروی، پس از مرگ تیمور،

با توجه به گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای می‌توان از آثار هنری یک دوره تاریخی برای روشن کردن ناگفته‌های تاریخی‌ای که نوشته نشده‌اند، اما با رمزها و نشانه‌های تصویری در لابه‌لای نسخ مصور هر دوره به تصویر درآمده‌اند، رمزگشایی کرد. پژوهش حاضر در پی آن است که علاوه بر مطالعه صوری نگارگری از طریق مطالعات بینامتنی، به لایه‌های پنهان آثار برای پاسخ به سؤالات تاریخی دست یابد.

### پیشینه پژوهش

علاوه بر کتاب‌ها و مقالاتی که به‌طور کلی به هنر تیموری و شاهنامه‌های مصور پرداخته‌اند، سه نسخه شاهنامه ابراهیم سلطان، بایسنقری و محمد جوکی در متون مجزایی به‌تفصیل معرفی و بررسی شده‌اند. فیروزه عبدالله‌یوا و چارلز ملویل در سال ۲۰۰۸ در کتاب «شاهنامه ابراهیم سلطان»<sup>۱</sup> نسخه خطی شاهنامه ابراهیم سلطان را به‌طور کامل معرفی کرده‌اند. علاوه بر این، نویسندگان به متن فردوسی، مقدمه‌های شاهنامه و تاریخ شاهنامه‌نگاری نیز پرداخته‌اند. هیلن برنند در مقاله «کاوشی در یک شاهکار فروگذشته‌شده: شاهنامه بایسنقری محفوظ در کاخ‌موزه گلستان»<sup>۲</sup> در مجله مطالعات ایرانی<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۰ به‌تفصیل درباره شاهنامه سفارش بایسنقر میرزا نوشت و بالاخره باربارا برنند در کتاب «حماسه پادشاهان ایران: هنر شاهنامه فردوسی»<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۰ تمامی تصاویر نسخه خطی شاهنامه محمد جوکی را گرد هم آورد و درباره ویژگی‌های نسخه‌شناسی آن با رویکردی تحلیلی نوشت. طیبیه بهشتی در مقاله «مروری بر آثار و تولیدات کتابخانه شاهزاده بایسنقر میرزا در هرات» در شماره ۲۸ نشریه پیام بهارستان به عملکرد و رویکرد بایسنقر در مورد تولیدات این کتابخانه و ارتباط با کتابخانه برادرش، ابراهیم سلطان، می‌پردازد، اما همان‌طور که از عنوان و قصد نویسنده مشخص است، به‌دنبال بررسی محتوایی این شاهنامه خاص نیست. به همین ترتیب، یعقوب آژند در مقاله «کارستان هنری و هنرپروری ابراهیم سلطان» در شماره ۳۷ نشریه هنرهای زیبا به‌تفصیل درباره نگاه و سیاست‌های ابراهیم سلطان به تولیدات هنری نوشته است، اما مقایسه مراکز هنری مورداشاره در اینجا موضوع بحث او نیست. در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌شده، موضوع جانشینی و تطبیق نگاره‌هایی از این سه شاهنامه مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است. در پژوهش‌های پیشین، معمولاً به مطالعه تطبیقی شاهنامه‌های شاخص از دوره‌های مختلف پرداخته شده است. به‌طور مشخص، مقایسه میان شاهنامه‌های دوره تیموری با شاهنامه‌های دوره ایلخانی و صفوی و بیش از همه، مقایسه تطبیقی میان دو شاهنامه بایسنقری و تهماسبی

در نتیجه درگیری‌های متعدد میان بازماندگان و عقب‌نشینی پیرمحمد، در نهایت شاهرخ در بیست‌وهفت‌سالگی به تخت نشست (منشی، ۱۳۸۹: ۸۷۲). شاهرخ هر چند رسماً جانشینی نداشت، عملاً بایسنقر به‌شکلی ولیعهد او شمرده می‌شد، چراکه در مواقعی که شاهرخ از هرات خارج می‌شد، بایسنقر که سیزده سال پیش از پدر از دنیا رفت، زمام امور پایتخت را بر عهده می‌گرفت (امیرخانی، ۱۳۹۵: ۴۶). شاهرخ در طول حکومتش چهار فرزند پسر خود را از دست داد، تا اینکه سرانجام الغ بیک بر تخت او نشست، اما باید دید در طول زندگی و حکومت شاهرخ، پسرنانی که سودای ولیعهدی و حکومت در سر داشتند، چه روزگاری از سر گذراندند.

درباره فرزندان شاهرخ در متون تاریخی گوناگون تعداد و اسامی متفاوت یافت می‌شود. خواندمیر در «تاریخ روضه‌الصفا» آن‌ها را این‌چنین برشمرده است: الغ بیک، ابراهیم سلطان، بایسنقر، محمد جوکی، جانی اغلان، باردوی بیک (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۴۱) و حافظ ابرو در «زبدةالتواریخ» از خان اغلان و باردوی جان که در کودکی از دنیا رفتند و بعد الغ بیک، ابراهیم سلطان، بایسنقر، محمد جوکی و سیورغتمش نام برده است (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۹۸۰). براساس گزارش‌های تاریخی، آن‌ها نه تنها هرگز تهدیدی جدی برای شاهرخ نبوده‌اند، بلکه او در طول دوران سلطنت خود، خدمات ارزنده‌ای از فرزندانش در مناصب حکام ایالات، فرماندهان نظامی، دیوان‌اعلی و غیره دریافت کرد (منز، ۱۳۹۳: ۷۷). جانشینی شاهرخ از آنجایی مسئله می‌شود که در فاصله سال‌های ۸۳۰ ق.م. تا اواسط دهه ۸۴۰ ق.م. شاهرخ تعدادی از فرماندهان ارشد و اعضای خانواده را از دست داد: عبدالصمد بن سیف‌الدین که حکمران افغانستان و بعد اصفهان بود؛ در سال ۸۳۵ ق.م. ۱۴۳۲ م.، الیاس خواجه شیخ علی بهادر در سال ۸۳۶ ق.م. ۱۴۳۴ م.، خواجه یوسف حاکم ری و قم در سال ۸۳۸ ق.م. ۱۴۳۲ م. و قنا شیرین در سال ۸۴۰ ق.م. ۱۴۳۶ م. (همان: ۸۴) از یک سو و از سوی دیگر، سیورغتمش در سال ۸۳۰ ق.م. ۱۴۲۶ م.، بایسنقر در سال ۸۳۷ ق.م. ۱۴۳۳ م. و بالاخره ابراهیم سلطان در ۸۳۸ ق.م. ۱۴۳۵ م. از دنیا رفتند. در این شرایط، در جهانی که قدرت میان فرماندهان ارشد و اعضای خانواده تقسیم می‌شود، گویی فرصتی برای محمد جوکی فراهم شد تا خود را به پادشاهی نزدیک احساس کند، غافل از اینکه او نیز در سال ۸۴۸ ق.م. ۱۴۴۵ م. و دو سال پیش از مرگ پدر از دنیا می‌رود. تیمور در کنار داعیه سیطره بر امپراتوری مغول، خود را سرکرده دنیایی و روحانی مردم می‌نامید (اعلامی زواره و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). باید توجه کرد که تیموریان مسلمان در این قلمرو جدید به دنبال گره زدن سلطنت با جایگاه برتر

مذهبی بودند و در زمان جانشینان تیمور، مفهوم و مصداق خلافت و سلطنت یکی شد (روزبهانی، ۱۳۹۷: ۲۱۰). همین امر جایگاه سلطنت را برای نامزدهای احتمالی به مراتب جذاب‌تر می‌کرد و شهوت رسیدن به قدرت، بی‌نهایت گفت‌وگو و زدوبند و نقشه و رویا در ذهن‌ها برمی‌انگیخت. اقدام تیمور در انتساب نزدیکان و افراد خانواده به حکومت‌های محلی، خصلت‌های ویژه‌ای برای این حکومت و پخش شدن قدرت میان افراد متعدد ایجاد کرد. امروزه بررسی این مناسبات در گمانه‌زنی برای جایگاه سیاسی این افراد یاری‌دهنده است. حکومت بر مناطق استراتژیک، شرکت در نبردهای مهم با رقیبان جدی و رونق و کیفیت زندگی در مناطق تحت حکومت، از مؤلفه‌های مهم برای تشخیص این شرایط است. از این رو، برای شناخت شاهنامه‌های مورد مطالعه در این مقاله، جایگاه سیاسی سه شهزاده سفارش‌دهنده و حامی این نسخه‌ها بررسی خواهد شد. ابراهیم سلطان، دومین پسر شاهرخ، بیست سال حاکم شیراز بود. او پس از تجربه حکومت در بلخ که در پانزده‌سالگی به آن دست یافته بود، در سال ۸۱۷ ق.م. ۱۴۱۴ م. به جای اسکندر سلطان به حکومت فارس منسوب شد (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹). فارس کانون اصلی قدرت در مرکز و جنوب بود. او در طول حکومت فارس در صورت ضرورت، در لشکرکشی‌های عمده شاهرخ نیز شرکت می‌کرد (منز، ۱۳۹۳: ۷۸)، اما این اتفاقات به معنای یگانگی قدرت او نیست. در سال ۸۱۸ ق.م. ۱۴۱۵ م. ابراهیم سلطان نتوانست در مقابل حمله مشترک اسکندر و باقرا که تلاش دوباره اسکندر برای رسیدن به حکومت فارس بود مقاومت کند و شاهرخ دوباره به او کمک کرد (همان: ۶۷) و پس از آن بود که تا پایان عمر بدون نگرانی از ادعا و رقابت کسی حاکم بلامنازع این شهر بود (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰).

غیاث‌الدین بایسنقر در سال ۷۹۹ ق.م. در هرات به دنیا آمد و فرزند چهارم و محبوب شاهرخ میرزا بود. در عنفوان جوانی آثار کفایت او ظاهر شد، آن‌گونه که برای پدر در امور سیاسی و لشکری یآوری دلسوز و مشاوری شجاع و باتدبیر بود (میرجعفری، ۱۳۹۵: ۱۲۴). هر چند در هفده‌سالگی حکومت مازندران و شرق خراسان را که ناحیه‌ای استراتژیک برای مدافعه در برابر ازبکان بود به او دادند (منز، ۱۳۹۳: ۸۵)، بیشتر بازرس دیوان شاهرخ و در نتیجه مقیم شهر هرات بود (همان: ۷۸). وی برای رسیدگی به امور کشوری، به امارت ممالک شاهرخی و در حقیقت به جانشینی و ولایتعهدی شاهرخ انتخاب شده بود، تا در غیاب پدر اداره پایتخت و کشور را در دست بگیرد (میرجعفری، ۱۳۹۵: ۱۲۴). بایسنقر در دو جنگ مهم، یکی در آذربایجان، در سال ۸۲۴-۸۲۳ ق.م. ۱۴۲۱-۱۴۲۰ م. و در

امیر خسرو دهلوی، «کلیله و دمنه»، «کلیات» جامی، «مثنوی» مولوی، «کلیات» و «گلستان» سعدی، مصور شدند. این گونه بود که تقریباً تمام نیروهای کتابخانه درباری، هنرمندان و نخبگان قدیمی تر تشکیلات تیموری و آق قویونلو بیشتر از خود ایرانی‌ها به سوی ایجاد شکل نهایی متون مصور ایرانی رفته بودند (هیلن برند، ۱۳۹۷: ۴۰). همین تشکیلات منظم و سامان یافته بود که بعدها در دوره صفویه بعد از جابه‌جایی قدرت‌ها و کتابخانه‌ها به اوج خود رسید.

در میان این رونق، تولید و مصور کردن نسخه‌های خطی «شاهنامه» نه فقط به دلیل ماهیت تاریخی و شاهانه، بلکه به دلیل ساخت گذشته‌ای اساطیری در ادامه رویکرد تاریخی، جایگاه ویژه‌ای داشت. گویی فردوسی در «شاهنامه» خطاب به این قوم مهاجم یا حتی از زبان آن‌ها، از موروثی بودن سلطنت در ایران می‌گوید. در این کتاب، تاریخ به شکوه پادشاهی پیوند می‌خورد. علاوه بر این، «شاهنامه» منبعی برای چگونگی پذیرش مهاجمان و زندگی در کنار آن‌ها، با حفظ ارزش‌های ملی بود. به‌طور کلی، سفارش کتاب شاهان را می‌توان تأکیدی نمادین بر قدرت شاهانه قلمداد کرد؛ وجهی که در شعر غنایی کاملاً از دست می‌رود (همان: ۴۱). در دوران تیمور که زمان پایه‌گذاری حکومت، تثبیت قدرت و کشورگشایی بود، پرداختن به شاهنامه مصور ممکن نشد. در زمان حکومت شاهرخ، شاهنامه‌ای که به‌طور مشخص سفارش او باشد باقی نمانده، اما سه شاهنامه موربدیج این مقاله، معاصر با او و نتیجه‌ی اوضاع عصر او هستند؛ گویی فرزندان که همه عمر در سودای نشستن بر منصب پدر بودند، قصور او در پرداختن به شاهنامه را جبران کردند. پس از شاهرخ، در مجلس جانشین او، الغ بیک، شاهنامه خوانده می‌شد و او در معنی بعضی ابیات آن با حاضران گفت‌وگو می‌کرد (اعلامی زواره و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). اساساً خاندان تیموری اهل شعر و شاعری بودند و نام بیست‌وهشت تن از آن‌ها در «تذکره روضة السلاطین و جواهر العجایب» نوشته محمد بن امیری فخری هروی آمده است (امیرخانی، ۱۳۹۵: ۴۰). امیرزادگان با یکدیگر مکاتبه داشتند و علاقه خود را به ادبیات و هنر نشان می‌دادند (منز، ۱۳۹۳: ۸۰). یک نسخه «منتخبات» با تاریخ ۸۲۳ ه.ق. / ۱۴۲۰ م. موجود در برلین را رابینسون و برند، تولید کتابخانه ابراهیم سلطان می‌دانند که به برادرش، بایسنقر، اهدا شده است (Brend, 2010: 25) و این یک مورد می‌تواند تنها نشانه یافته‌شده از موارد بیشتر ردوبدل کردن نسخه‌ها میان دربارها و کتابخانه‌ها باشد. در ادامه، ویژگی‌های نسخه‌شناسی و هنری سه شاهنامه ابراهیم سلطان، بایسنقر میرزا و محمد جوکی به اختصار و برای کمک به پیشبرد بحث می‌آیند.

۸۳۲ ه.ق. / ۱۴۲۹ م. به همراه برادر بزرگ‌ترش، ابراهیم سلطان، در مقابل ترکمانان قره‌قویونلو (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱) و دیگری در سال ۸۳۰ ه.ق. در مقابل براق خان ازبک در ماوراءالنهر شرکت کرد (امیرخانی، ۱۳۹۵: ۴۶).

در منابع، نام محمد جوکی کمتر از دیگر برادرانش به چشم می‌خورد. در سال ۸۳۳ ه.ق. / ۱۴۲۹ م. شاهرخ، محمد جوکی را به حکمرانی ختلان تعیین نمود (منز، ۱۳۹۳: ۵۹). او در تهاجم شاهرخ به آذربایجان در سال ۸۲۴-۸۲۳ ه.ق. / ۱۴۲۲-۱۴۲۱ م. فرمانده نیروهای پیاده‌نظام بود (همان: ۷۸). شجاعت و دلیری او در «فتح‌نامه آذربایجان» در سال ۸۳۲ ه.ق. در یورش دوم شاهرخ به این منطقه شرح داده شده است (نوایی، ۱۳۷۰: ۲۲۲). او بیشتر عمر در کنار پدر، مقیم هرات بود.

### سفارش شاهنامه‌های مصور در خاندان تیموری و سه شاهنامه پسران شاهرخ

در حکومت تیموریان علاوه بر شکوفایی و گسترش هنر کتاب‌آرایی، تألیف کتاب‌ها و گزارش‌های تاریخی نیز اهمیت تازه‌ای یافتند. تعدد مراکز حمایت از هنرها در شهرهای مختلف به گسترش این ایده در تمام قلمرو کمک می‌کرد. تیمور برای ضبط دائم امور همیشه تعدادی منشی ایرانی و اویغوری همراه خود داشت، نوشته‌های آن‌ها را می‌شنید و تصحیح می‌کرد (امیرخانی، ۱۳۹۵: ۷۹). در منابع به نقل از تیمور آمده است: «قوانین و سیرت سلاطین گذشته را از آدم تا خاتم و از خاتم تا این دم از دانایان پرسش نمودم و سلوک و معاش و افعال و اقوال یکان‌یکان را به خاطر آوردم و از اخلاق حسنه و صفات پسندیده ایشان نسخه برداشتم» (اعلامی زواره و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). پس از مرگ او این گرایش ادامه یافت، تا آنجا که در فاصله سال‌های دهه ۸۲۰ ه.ق. / ۱۴۲۶ م. تا ۸۳۰ ه.ق. / ۱۴۳۷ م. موج تازه‌ای از تاریخ‌نگاری به وجود آمد: «ظفرنامه»، نوشته شرف‌الدین علی یزدی، به سفارش ابراهیم سلطان در ۸۲۲ ه.ق. / ۱۴۲۰ م.، نسخه جدیدی از «شعوب پنج‌گانه» رشیدالدین فضل‌الله همدانی، به سفارش شاهرخ در سال ۸۳۰ ه.ق. / ۱۴۲۷ م. و حافظ ابرو در سال ۸۳۰ ه.ق. / ۱۴۲۶ م. «مجمع‌التواریخ» را با بازنگری بر «جامع‌التواریخ» رشیدالدین فضل‌الله همدانی آغاز کردند (منز، ۱۳۹۳: ۷۹). این کتاب‌ها در کنار دیگر کتاب‌های ادبی، در کتابخانه‌ها تألیف، تولید و مصور می‌شدند. شاهرخ، الغ بیک، ابراهیم سلطان، بایسنقر، محمد جوکی، سلطان حسین بایقرا و غیره از تولید طیف متنوعی از کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبی و غیره حمایت می‌کردند. در این دوره، «معراج‌نامه»، «شاهنامه»، «منتخبات»، «خمسه» نظامی و

ابراهیم سلطان در دو دهه حکومت در شیراز با وجود ناآرامی‌های این منطقه و حساسیت امنیتی آن در جنوب ایران کتابخانه‌ای فعال داشت. در کنار تعداد زیادی نسخه خطی، شرف‌الدین علی یزدی، تجدیدنظر در «ظفرنامه» نظام‌الدین شامی را که در سال ۸۲۲ ه.ق. از ابراهیم سلطان سفارش گرفته بود، در سال ۸۲۸ ه.ق. ۱۴۱۴ م. به پایان رساند (منز، ۱۳۹۳: ۶۹). حتی کتیبه‌ها و اوراقی به قلم او باقی مانده که دولت‌شاه سمرقندی خط او را قرین یاقوت مستعصمی می‌داند (کاوسی، ۱۳۸۹: ۳۵۳). ابراهیم سلطان در کار ساخت‌وساز نقش فعالی داشت و دو مدرسه دارالصفاء (معروف به مدرسه بیگم و محل دفن خود او) و دارالایتم را ساخت که در دوره صفویه ویران شدند (صحراگرد، ۱۳۸۷: ۹۱). شاهنامه مصور ابراهیم سلطان تنها یکی از نتایج این کتابخانه است. این نسخه خطی مصور دارای ۴۶۸ برگ (۹۳۶ صفحه) در اندازه ۲۸/۸×۱۹/۸ سانتی‌متر است و در حال حاضر با ۴۵ نگاره در کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد نگهداری می‌شود. شاهنامه ابراهیم سلطان فاقد انجامه<sup>۶</sup> و هرگونه تاریخی است و تنها امضای این نسخه به مذهب آن، نصرالسلطانی، تعلق دارد (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۹). فیروزه عبدالله‌یوا و چارلز ملویل براساس شواهد و قراین تاریخ آغاز آن را دهه ۸۲۰ ه.ق. ۱۴۲۰ م. می‌دانند که احتمالاً تا زمان مرگ ابراهیم سلطان در سال ۸۳۸ ه.ق. طول کشیده است (همان: ۱۲۷). این نسخه از لحاظ کیفیت و دقت اجرا، چندان با آثار دیگر کتابخانه‌های تیموری قابل مقایسه نیست، تا آنجا که هیلن برنند آن را نه یک نسخه درباری، بلکه یک شاهنامه محلی نام می‌نهد که بر کمیت، بیشتر از کیفیت تأکید داشتند (هیلن برنند، ۱۳۹۷: ۳۸).

بایسنقر میرزا از سال ۸۲۰ ه.ق. ۱۴۱۷ م. مقیم باغ سفید در بیرون شهر و سمت شمال بود (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۳۹۰). او کتابخانه خود را در سال ۸۲۳ ه.ق. ۱۴۲۰ م. به سرپرستی جعفر تبریزی در همان جا بنیاد نهاد (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۷۴). او نیز مانند برادر بزرگ‌تر و به احتمال زیاد متأثر از رسم تربیت خانوادگی، به کار هنر مشغول شد. نسخه‌های خطی مصور و غیر مصور، نقاشی‌ها و طراحی‌های مستقل و مرقعات در کتابخانه او تولید می‌شدند (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۲۴). علاوه بر حمایت‌های مستقیم از پروژه‌های هنری، بخش پایانی کتاب حافظ ابرو به او پیشکش می‌شود که به «زبدةالتواریخ بایسنقری» معروف است (منز، ۱۳۹۳: ۷۹). شاهنامه مصور بایسنقر با شیرازه اولیه خود در کتابخانه کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود. متن به خط جعفر بایسنقری نوشته شده و ابیات به خط نستعلیق و عنوان‌ها کوفی است. شاهنامه بایسنقری در ۶۹۰ صفحه در قطع رحلی با اندازه ۳۸/۴×۲۶/۵

سانتی‌متر، ۲۲ نگاره دارد (شریف‌زاده، ۱۳۷۰: ۱۰). از یک سو، این اندازه در مقایسه با سایر نسخه‌های تیموری، بزرگ محسوب می‌شود و از سوی دیگر، این تعداد نقاشی برای یک شاهنامه مصور پرفصله کم است (Hillenbrand, 2010: 211). این نسخه انجامه دارد و تاریخ جمادی‌الاول ۸۳۳ ه.ق. (۳۰ ژانویه ۱۴۳۰ م.) را نشان می‌دهد (Brend, 2010: 27). هرچند در انجامه امضا یا نامی از نگارگران نیامده، در گزارش‌های جعفر بایسنقری همکاری مولانا علی، مولانا قیام‌الدین و امیر خلیل ذکر شده است (حبیبی، ۱۳۵۵: ۴۱). در کنار ارزش‌های خاص نسخه و نقاشی‌ها، یکی از وجوه منحصر به فرد و برجسته آن، مقدمه‌ای است که به مقدمه بایسنقری معروف شده است. نام نویسنده این متن که به جای مقدمه ابومنصوری آمده، در این نسخه نوشته نشده است.

محمد جوکی در سال‌های حضور در هرات همچون برادران خود، اما احتمالاً پس از آن‌ها و در موقعیتی نزدیک‌تر به سلطنت، شاهنامه‌ای سفارش داده است. شاهنامه جوکی نیز مانند نسخه ابراهیم سلطان انجامه ندارد تا نام حامی و تاریخ اتمام اثر را نشان دهد، اما در دو نگاره نام محمد جوکی دیده می‌شود. یکی نگاره «کشته شدن اسفندیار به دست رستم» که نوشته سلطان اعظم محمد جوکی روی پرچم دیده می‌شود (Brend, 2010: 29) و دیگری در نگاره «کشته شدن ارجاسب به دست اسفندیار» که روی کاشی‌های سردرب نام او نوشته شده است. باربارا برنند آن را نسخه‌ای با ۵۳۶ صفحه و به اندازه ۲۲۸×۳۳۸ میلی‌متر با ۳۱ نگاره و با تاریخ تقریبی ۸۴۸ ه.ق. ۱۴۴۵ م. معرفی می‌کند که در حال حاضر در کتابخانه انجمن سلطنتی آسیایی بریتانیا نگهداری می‌شود (Ibid: 48). این شاهنامه با توجه به اینکه نسبت به دو نسخه دیگر متأخرتر است، از دستاوردهای آنان بهره برده است. از یک سو، این شاهنامه در اندازه، ترکیب‌بندی و شمایل‌نگاری از شاهنامه ابراهیم سلطان تأثیر پذیرفته است (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۷) و از سوی دیگر، به خصوص در ترکیب‌بندی ارباب و هماهنگی رنگ‌ها، تأثیر شاهنامه بایسنقری عیان است (کن‌بای، ۱۳۸۲: ۶۱). علاوه بر این، در گروهی دیگر، تجربه‌گری طبیعت‌گرایی یک نقاش جوان را نشان می‌دهد (پاکباز، ۱۳۸۳: ۷۵) که باید به پای نوجویی محمد جوکی و خلاقیت مدیر کتابخانه او گذاشت (جدول ۱).

#### موضوعات مشترک نگاره‌های سه شاهنامه

چهار داستان در هر سه نسخه تصویر شده‌اند: «فردوسی و شعرای غزنه»، «خوان هفتم رستم: نبرد رستم با دیو سپید»، «کشته شدن سیاوش به دست گروی» و بالاخره «نبرد رستم

## صحنه‌های درباری

صحنه‌های درباری در شاهنامه‌های مصور موضوعات گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که معروف‌ترین و اولین آن، به تخت نشستن شاهان است. با تعابیر امروزی شاید بتوان آن را نوعی تاج‌گذاری و مراسمی برای اعلام رسمی به قدرت رسیدن شاه جدید دانست. در نسخه‌های مصور شاهنامه همواره نقاشی بر تخت نشستن، روش قدیم شاهان در ابراز قدرت بوده است (هیلن‌برند، ۱۳۹۷: ۴۴). از سوی دیگر، باید به یاد داشت که حاکمان تیموری به اندیشه فرمانروایی برحق متوسل شدند و حاکمیت خود را مبتنی بر خواست و اراده الهی معرفی کردند (اعلامی زواره و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰).

در شاهنامه ابراهیم سلطان چهار مجلس بر تخت نشستن به تصویر درآمده است: «پادشاهی کیومرث»، «پادشاهی جمشید»، «پادشاهی ضحاک» و «پادشاهی منوچهر». علاوه بر این، سه نگاره «فریدون و دختران جمشید»، «تعریف منوچهر از زال» و «دربار ابراهیم سلطان» در دربار می‌گذرند. از طرفی، چهار نگاره «کیکاووس سیاوش را در آغوش می‌گیرد»، «رسیدن گیو به کیخسرو»، «زال و رستم در حضور کیخسرو»، «خروج اسکندر و خضر از سرزمین تاریکی» هر چند در طبیعت به تصویر درآمده‌اند، با حضور شاه کاملاً از قواعد یک صحنه درباری پیروی می‌کنند، با این تفاوت که شاه غیررسمی و ساده روی زمین نشسته و تأکیدی بر برتری او نیست. شاید این نتیجه وفاداری به پدر با نیم‌نگاهی به سرنوشت پسرعموی سرکش، یعنی اسکندر، بود (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶)، اما در هر صورت بازده نقاشی از کل نسخه همچنان تمنای درونی او به پادشاهی را عیان می‌کنند، هر چند در میان آن‌ها ضحاک را هم گنجانده باشد. باید به یاد داشت که اصلی‌ترین رقیب او برادر بزرگ‌ترش، الغ بیگ، حاکم سمرقند بود که البته بزرگ بودن او محل بحث است. در منابع، سال تولد هر دو برادر ۷۹۶ ه.ق. ذکر شده است. الغ بیگ متولد جمادی‌الاول، فرزند گوهرشاد، تنها پنج ماه از ابراهیم سلطان، فرزند طوطی‌آغا و متولد ماه شوال، بزرگ‌تر بوده است (حافظ

و خاقان چین». از همین‌جا اهمیت شخصیت رستم برای هر سه سفارش‌دهنده و احتمالاً به‌طور کلی در دوره تیموری به‌خوبی عیان می‌شود. در شاهنامه ابراهیم سلطان بیست و چهاره از رستم، یعنی حدود نیمی از نقاشی‌ها، محل توجه است. کمترین حضور با سه تصویر در نسخه بایسنقر است و محمد جوکی ده داستان از زندگی رستم را به تصویر کشیده است و این یعنی یک‌سوم کل نگاره‌ها. جالب اینجاست که با این وجود، صحنه کشته شدن او توسط برادرش، شغاد که در شاهنامه‌های پیش از این وجود دارد، در این سه شاهنامه غایب است، چراکه پذیرفتن مرگ برای پهلوان اساطیری، آن‌هم به دست برادرش، به ذائقه برادران تیموری خوش نیامده است. چرا آن‌ها باید موضوعی را بازنمایی کنند که خود از دچار شدن به آن هراس دارند؟ در مقابل، در دو موضوع مشترک هر سه نسخه، شهامت او در برابر نیروهای اهریمنی و دشمنان خارجی به‌عنوان ترجیح هر سه دیده می‌شود. درگیری‌های این دوره با چین را نباید فراموش کرد. علاوه بر این، موضوعاتی هستند که فقط در دو مورد از آن‌ها مشترک هستند. شاهنامه‌های ابراهیم سلطان و بایسنقر یک نگاره «پادشاهی جمشید» را مشترک دارند که در ادامه تحلیل خواهد شد. «کشته شدن ارجاسب به دست اسفندیار» تنها در نسخه‌های بایسنقر میرزا و محمد جوکی تکرار شده که در آن شباهت در سازماندهی بصری عیان است و توجه نقاش دربار جوکی به نسخه برادر بزرگ‌تر نظر را نشان می‌دهد، اما اشتراکات دو نسخه ابراهیم سلطان و محمد جوکی بیشتر است: «تهمینه در شبستان رستم»، «کشته شدن سهراب به دست رستم»، «رستم بیژن را از چاه نجات می‌دهد» و «شکار بهرام و آزاده». تعداد مشترکات این دو نسخه (البته با محوریت رستم) بی‌ارتباط با پرتعداد بودن نگاره‌ها نیست. البته آنچه در پژوهش حاضر اهمیت دارد، موضوعاتی است که به مسئله تفویض قدرت یا ولیعهدی اشاره دارند. از این‌رو، نگاره‌هایی که در آن‌ها به صحنه‌های درباری، پدر و پسرها و همین‌طور برادران متن فردوسی ارتباط دارند، پرداخته خواهد شد.

جدول ۱. مشخصات شاهنامه‌های برادران تیموری

انجامه	محل نگهداری	تعداد نگاره‌ها	شهر	سال	
-	کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد	۴۸	شیراز	۸۳۸-۸۲۰ ه.ق.	شاهنامه ابراهیم سلطان
دارد	کتابخانه کاخ گلستان تهران	۲۲	هرات	۸۳۳ ه.ق.	شاهنامه بایسنقری
-	کتابخانه انجمن سلطنتی آسیایی بریتانیا	۳۱	هرات	۸۴۸ ه.ق.	شاهنامه محمد جوکی

(نگارندگان)

ابرو، ۱۳۹۵: ۹۸۰) و به دلیل حضور همیشگی در سمرقند و فاصله عاطفی، از نزدیکان شاهرخ محسوب نمی‌شده است (رویمر، ۱۳۷۹: ۱۱۵). به این ترتیب، احتمال پادشاهی ابراهیم سلطان افزایش می‌یافته و به نوعی او خود را حاکم آتی فرض می‌کرد. در این موقعیت خاص سیاسی است که سادگی تناقض آمیز این نسخه با موقعیت سیاسی و تاریخی ابراهیم سلطان بیشتر به نظر می‌آید؛ گویی نوعی دستپاچگی و عجله برای تکمیل این نسخه پرتصویر وجود داشته است.

از سوی دیگر، در آغاز نسخه ابراهیم سلطان شش صحنه درباری وجود دارد. علاوه بر این، او تقریباً در یک سوم انتهای شاهنامه و در آغاز بخش دوم، دو موضوع نامتعارف را به نگاره‌ها می‌افزاید: یک صفحه دربار خودش و در صفحه پشت آن، ملکه و بانوان. به جای این نگاره از دربار او، در بسیاری از نسخه‌ها، به تخت نشستن لهراسب (جانشین کیخسرو و مؤسس پادشاهی جدید) وجود دارد که در شاهنامه بایسنقری هم دیده می‌شود. این امر می‌تواند ارتباط ابراهیم سلطان و لهراسب را به ذهن متبادر کند (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۰). لهراسب از نسل کیقباد بود که کیخسرو او را به عنوان جانشین خود برگزید و در عصر او یکتاپرستی در ایران رواج گرفت (یاحق، ۱۳۸۸: ۷۳۱). باید به یاد داشت که چهره سفارش‌دهنده در هر نسخه، از سویی مانند نوعی امضا و اعلام مالکیت است و از سوی دیگر، تأیید بر نقشی است که به کرات دیده می‌شود. از یک طرف، او در تمام این نگاره‌ها با تاجی به تصویر کشیده شده که بر سر دیگر شاهان این نسخه نیز هست (نوحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۷) و از طرف دیگر، دستمالی که در دست شاهان بر تخت‌نشسته این نسخه و خود او دیده می‌شود، همان دستارچه‌ای است که در نقاشی‌های دوره ایلخانی به عنوان نماد قدرت، در دست بسیاری از پادشاهان دیده می‌شود (سودآور، ۱۳۸۴: ۳۱) و همچنان در این دوره حفظ می‌شود؛ گویی تلویحاً و پیش‌گویانه خود را هم‌رده آنان و البته پادشاهی برحق و فرهمند به نمایش می‌گذارد.

بایسنقر میرزا «پادشاهی جمشید»، «مجلس کیکاوس» و «پادشاهی لهراسب» را انتخاب کرده است. دو نسخه ابراهیم سلطان و بایسنقر تنها در نگاره «پادشاهی جمشید» مشترک‌اند. در تمام دوران پادشاهی جمشید، هیچ بدی‌ای در جهان نبوده است (یاحق، ۱۳۸۸: ۲۹۳)؛ گویی کمال مطلوب پادشاهی که در جمشید نشان داده شده، خواست یا چه‌بسا ادعای هر دو برادر بوده که آن را در شاهنامه خود جای داده‌اند. علاوه بر این، جمشید و کیکاوس از شاهان خوش‌نامی بوده‌اند که جاویدان و صاحب فرّه خلق شده‌اند، اما بر اثر ارتکاب به گناهان، فناپذیر شدند (همان، ۱۳۸۷: ۶۵۷). این را باید در کنار نظریه

هلین‌برند قرار داد که معتقد است یکی از خصلت‌های اصلی شاهنامه بایسنقری، شکوه نسخه و نقاشی‌ها و همین‌طور تأکید بر وظایف شاهزاده و مسئولیت‌های حاکمان است (Hillenbrand, 2010: 219). علاوه بر صحنه‌های درباری مذکور، چهار نگاره نیز باینکه مجلس شاهانه‌ای را نمایش نمی‌دهند، در واقع شکوه و مختصات صحنه‌های درباری را دارند: «دیدار زال و رودابه»، «ملاقات رستم و اسفندیار»، «ملاقات یزدگرد و منذر و سپردن بهرام» و «شطرنج‌بازی بوذرجمهر و سفیر هند».

در شاهنامه‌ای که بایسنقر میرزا سفارش داد، تنها دو صفحه روبه‌رو از مجموع ۲۲ نگاره با موضوع شکارگاه تذهیب شده‌اند که تصویر بایسنقر پیاله‌به‌دست را نشان می‌دهند. با توجه به اینکه در منابع تاریخی به عادت او بر افراط در شراب‌خواری بارها و بارها اشاره شده است، کاملاً با اخلاق و روحیه او مرتبط است (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۹۶۲). در این ترکیب‌بندی غیرمتمرکز نیز به سیاق شاهنامه برادر بزرگ‌تر اهمیت بصری محوری به شاهزاده داده نشده، اما از اولین نگاره‌های نسخه، در دو صفحه روبه‌رو و با شکوهی ویژه است. و بالاخره برادر کوچک‌تر، محمد جوکی، در شاهنامه خود هیچ مجلس شاهانه‌ای جای نداده است. این موضوع می‌تواند تأکیدی بر سابقه بیرون بودن او از میدان رقابت پادشاهی باشد؛ گویی این شاهنامه دیرنگام برای او که در ابتدا فاصله‌ای پرناسدنی میان خود و جایگاه سلطنت می‌دید، اما به یک‌باره در یک‌قدمی آن قرار گرفت، بیشتر محل نمایش توانمندی‌های جنگی، کشتن و تعقیب‌و‌گریز بود. به گفته مورخانی چون سمرقندی و میرخواند، مادر محمد جوکی، یعنی گوهرشادآغا، او را از مناصب قدرت دور نگه داشت (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۴۵۷) و در «ظفرنامه» یزدی به موقعیت پایین‌تر او نسبت به برادرانش اشاره شده است (منز، ۱۳۹۳: ۳۳۹). محمد جوکی در سال‌های زندگی پدر نه تنها شاهزاده‌ای نسبتاً منفعل بوده، بلکه تجربه رویارویی با پدر را هم دارد. در سال ۸۴۴ ه.ق. / ۱۴۴۱-۱۴۴۰ م. به دستور شاهرخ شراب‌های انبارشده در خانه‌اش دور ریخته شد (همان: ۲۹۵). به این ترتیب، با وجود دور بودن الغ بیک به عنوان برادر ارشد از هرات و مرگ برادران دیگر، محمد جوکی احتمال رسیدن خود به تخت شاهی را با سفارش شاهنامه بیان کرد، اما بر این واقعیت آگاه بود که باید از موانع و نبردهای متعدد عبور کند. بزرگ‌ترین سد وی برای رسیدن به پادشاهی، مادرش، گوهرشادآغا بود. از جمله اینکه در «تاریخ روضة‌الصفاء» نوشته شده که پس از وفات بایسنقر میرزا، به فرزندش میرزا علاءالدوله فرمان داده شد تا در دیوان بزرگ به جای پدر مهر بزند. این همه



توجه و عنایت نتیجه محبت فراوانی بود که گوهرشاد به وی داشت (روملو، ۱۳۸۴: ۳۴۱). از اینجاست که او حتی در سر خیال و تمنایی برای پادشاهی ندارد و در نگاره‌های شاهنامه وی خبری از صحنه درباری نیست (جدول ۲).

جدول ۲. صحنه‌های درباری (بر تخت نشستن)

شاهنامه‌های برادران تیموری			عنوان نگاره
شاهنامه محمد جوکی	شاهنامه بایسنقری	شاهنامه ابراهیم سلطان	
-	-	 <p>(عبدالله یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷)</p>	پادشاهی کیومرث
-	 <p>(حسینی‌راد، ۱۳۹۰: ۴۱)</p>	 <p>(عبدالله یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸)</p>	پادشاهی جمشید
-	-	 <p>(عبدالله یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۰)</p>	پادشاهی ضحاک
-	-	 <p>(عبدالله یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۶)</p>	پادشاهی منوچهر

ادامه جدول ۲. صحنه‌های درباری (بر تخت نشستن)

شاهنامه‌های برادران تیموری			عنوان نگاره
شاهنامه محمد جوکی	شاهنامه بایسنقری	شاهنامه ابراهیم سلطان	
-	 <p>(حسینی‌راد، ۱۳۹۰: ۵۹)</p>	-	پادشاهی کیکاوس
-	 <p>(حسینی‌راد، ۱۳۹۰: ۴۵)</p>	-	پادشاهی لهراسب

(نگارندگان)

### پدر و پسرهای نسخه‌ها

یعنی همان دو برادر بزرگ‌تر و کوچک‌تر مخفی شده به تصویر درمی‌آید. داستان‌های دوم و سوم، داستان معروف‌ترین پسرکشی در اساطیر ایران است و بعدی، یعنی کیکاوس و سیاوش، اتفاقی احساسی است که تا چند لحظه پیش می‌توانست به همین نتیجه منجر شود، اما نشد. از یک سو، در داستان رستم و سهراب با پدری روبه‌رو هستیم که مهر فرزند را پس می‌زند و فرزند را قربانی می‌کند (ماحوزی، ۱۳۹۲) و از سوی دیگر، این لحظه از داستان سیاوش که به ندرت در شاهنامه‌ها دیده می‌شود، آن هم درست پس از مرگ ناجوانمرده سهراب، شاید کنایه‌ای است از مسامحه با پدرهای مقتدری چون تیمور و شاهرخ (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳). علاوه بر این، با توجه به نقش سودابه در این داستان، تأکید بر ارجحیت روابط نسبی به سببی در خاندان تیموری هم بی‌اهمیت نیست. به‌طور کلی، در میان شاهان و شاهزادگان شاهنامه مهر میان پدر و پسر متعادل است و بیشتر مهری دوطرفه و گاه بی‌مهری پدر به پسر وجود دارد (ماحوزی، ۱۳۹۲). زال و رستم از پدر و پسرهای پهلوان شاهنامه‌اند. حضور هم‌زمان آن‌ها در محضر کیخسرو به دلیل دست شستن او از حکومت است که دقیقاً در پایان

در شاهنامه ابراهیم سلطان تصاویری از چهار پدر و پسر دیده می‌شود: «فریدون و پسرانش»، «رستم و سهراب»، «کیکاوس و سیاوش» و بالاخره «زال و رستم». «فریدون به شکل اژدها پسران خود را می‌آزماید» در پشت برگه ۳۲ و در آغاز نسخه و پس از آن به ترتیب «تبرد نخست رستم و سهراب» و «کشته شدن سهراب به دست رستم» در اوراق ۸۹ و ۹۲ و سپس هفت برگه جلوتر، «کیکاوس سیاوش را در آغوش می‌گیرد» و پشت برگه ۲۳۲ «زال و رستم در حضور کیخسرو» قرار دارند. اولین پدر و پسر این نسخه، یعنی فریدون و پسرانش، محل توجه جدی است، چراکه گویی ابراهیم سلطان با قرار دادن خود در نقش برادر وسط، به تصویر کشیدن سلحشوری او و مخفی شدن پسران بزرگ و کوچک پشت تپه بیانیه مهمی صادر می‌کند. در این داستان که فریدون برای آزمودن پسران خود به اژدها بدل می‌شود، برادر بزرگ فرار می‌کند و برادر کوچک تنها هشدار عقب‌نشینی می‌دهد (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶) و بلافاصله در سه برگه جلوتر «کشته شدن ایرج به دست تور»

در نسخه خود جای دهد، اما به نمونه‌هایی با روابط حسنه نیز اشاره نکرده است. باین‌حال، در زاری فرامرز، احترام پسر به پدر و عمو و آمادگی برای انتقام و حفاظت از میراث آن‌ها را نشان می‌دهد. در هر صورت، با وجود تعداد بسیار محدود نقاشی‌های این نسخه، غیاب نگاره بسیار معروف «رستم و سهراب» که در اغلب نسخه‌ها دیده می‌شود، محل تأمل است. در شاهنامه محمد جوکی «زال و سام»، «رستم و سهراب» و در آخر «کیکاوس و سیاوش» دیده می‌شوند. اولین پدر و پسر، زال و سام هستند. به‌این ترتیب، در اینجا نه در طبقه شاهان، بلکه در جهان پهلوانان از این رابطه مثال‌هایی آمده است. در نخستین نمونه، آنجا که سیمرغ زال رانده شده را مجدد به پدر باز می‌گرداند، دیده می‌شود. جهان پهلوانی سام در شاهنامه با بی‌مهری او به فرزندش، زال، آغاز می‌شود. در مقابل، زال خود در همه‌حال چون مشاوری برای فرزند خویش، رستم، است (همان). این صحنه می‌تواند کنایه‌ای از رابطه ترمیم‌شده شاهرخ و محمد جوکی باشد. پس از آن، سهراب‌کشی تصویر شده که اتفاقاً بزنگاه داستان و صحنه خشن دریدن سینه سهراب است و بلافاصله اولین نگاره بعدی، کیکاوس انگشت‌به‌دهان و شاهد عبور موفق سیاوش از آتش دیده می‌شود (جدول ۳).

بخش اول شاهنامه و هفت ورق پیش از نقاشی دربار ابراهیم سلطان آمده است. آیا باید به دنبال هم‌ذات‌پنداری میان ابراهیم سلطان با کیخسرو بود؟ یا آمادگی او برای جانشینی پدری که می‌توانست اعلام بازنشستگی کند؟ علاوه بر این، کیومرث، فریدون و کیکاوس که در این شاهنامه دیده می‌شوند، بهترین نمونه پادشاهان قدرتمندی هستند که پسران یک‌سره بی‌گناه آنان به دست نیروهای اهریمنی از بین می‌روند و در تمام موارد پدران توانایی کین گرفتن را ندارند (همان). باید در اینجا حضور دوباره شاهرخ در فارس برای نجات ابراهیم سلطان از مخمصه‌ای که پسر عمویش ایجاد کرده بود را به یاد آورد. از سوی دیگر، هر چند در نگاره «سنگ انداختن بهمن به سوی رستم» پدر و پسری هم‌زمان در یک نقاشی دیده نمی‌شوند، این رویارویی پسر برای محافظت از پدر است. بهمن پیش از نبرد رستم با پدرش، اسفندیار، به‌عنوان سفیر نزد او می‌رود و داستان سنگ انداختن اتفاق می‌افتد.

در شاهنامه بایسنقری هیچ صحنه‌ای که در آن پدر و پسری حاضر باشند دیده نمی‌شود، مگر نگاره «گریستن فرامرز بر تابوت رستم و زواره» که عملاً پدر در آن غایب است و تابوت نشانه اوست؛ گویی نزدیکی او به پدر، مانع از آن شده که مانند ابراهیم سلطان روایت‌های ناخوشایندی را از این رابطه

جدول ۳. پدران و پسران

شاهنامه‌های برادران تیموری			عنوان نگاره
شاهنامه محمد جوکی	شاهنامه بایسنقری	شاهنامه ابراهیم سلطان	
-	-	 <p>(عبدالله یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴)</p>	فریدون و پسرانش
 <p>(Brend, 2010: 55)</p>	-	-	زال و سام

ادامه جدول ۳. پدران و پسران

شاهنامه‌های برادران تیموری			عنوان نگاره
شاهنامه محمد جوکی	شاهنامه بایسنقری	شاهنامه ابراهیم سلطان	
 <p>(Brend,2010: 67)</p>	—	 <p>(عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۲)</p>	رستم و سهراب
 <p>(Brend,2010: 68)</p>	—	 <p>(عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳)</p>	کیکاوس و سیاوش
—	—	 <p>(عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹)</p>	زال و رستم
—	 <p>(حسینی‌راد، ۱۳۹۰: ۴۴)</p>	—	فرامرز و رستم

(نگارندگان)

## برادرهای نسخه‌ها

نسبت برادری در شاهنامه فقط در نسخه ابراهیم سلطان دیده می‌شود و دو مورد دیگر به هیچ‌یک از برادران شاهنامه توجه نکرده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، «فریدون به شکل اژدها پسران خود را می‌آزماید» و «کشته شدن ایرج به دست تور» با فاصله سه برگه نقاشی شده‌اند. اولین نگاره، اعلام برتری برادر میانی است و دومین نگاره، نخستین و

معروف‌ترین برادرکشی شاهنامه است که ابراهیم سلطان در نسخه خود به تصویر کشیده است. فاصله سنی نزدیک او با الغ بیک، رقابتی برادرانه را محتمل می‌کند. در شاهنامه بایسنقری نیز این رابطه مانند رابطه پدر و فرزند در غیاب یکی مستتر است. در نگاره «گریستن فرامرز بر تابوت رستم و زواره» دو برادر، بی‌جان و پنهان در تابوت نشان داده شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. برادرها

شاهنامه برادران تیموری			عنوان نگاره
شاهنامه محمد جوکی	شاهنامه بایسنقری	شاهنامه ابراهیم سلطان	
-	-	 (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴)	ایرج، سلم و تور
-	-	 (عبدالله‌یوا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵)	ایرج و تور
-	 (حسینی‌راد، ۱۳۹۰: ۴۴)	-	رستم و زواره

(نگارندگان)

جدول ۵. تعداد نگاره‌های جانشینی در هر سه نسخه

شاهنامه‌های برادران تیموری			موضوع نگاره
شاهنامه محمد جوکی	شاهنامه بایسنقری	شاهنامه ابراهیم سلطان	
نگاره ۰	نگاره ۹	نگاره ۱۱	صحنه‌های درباری
نگاره ۳	نگاره ۱	نگاره ۴	پدر و پسرها
نگاره ۰	نگاره ۰	نگاره ۲	برادرها
۳	۱۰	۱۷	مجموع نگاره‌ها

(نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

با توجه به مناسبات سیاسی در دوره تیموری، فقط شاهزاده بودن و تعیین ولیعهد برای رسیدن به تخت سلطنت کافی نبوده است. همان‌طور که تیمور و شاهرخ حکومت را در نتیجه مبارزه و نه منصب ولیعهدی، به دست آورده بودند، ابراهیم سلطان، بایسنقر میرزا و محمد جوکی هم با وجود سایه پدری مقتدر و آمادگی دیگر برادران و عموزادگان، خود را چندان دور از مقام پادشاهی نمی‌دیدند. هرچند میل آن‌ها به پادشاهی در سفارش نسخه‌های خطی مصور شاهنامه منعکس می‌شود، هر سه پیش از پدر از دنیا رفتند. پیرو سنت شاهنامه‌نگاری، هر کدام از این شاهزادگان پیامی در نسخه خود جای دادند. با توجه به جدول ۵، ابراهیم سلطان و بایسنقر میرزا با انتخاب داستان‌هایی برای مصور شدن، قصد تعیین جایگاه یا دست‌کم ادعای آن را در ساختار سیاسی قدرت مرکزی داشته‌اند. ابراهیم سلطان، فرزند دوم شاهرخ، با وجود برادر بزرگ‌تر در سمرقند، نزدیکی خود را به سلطنت در تعداد زیاد صحنه‌های درباری نشان داده، در حالی که با داستان‌های منتخب پدر و پسر، احتیاط در این ادعا را هم رعایت کرده است. بایسنقر میرزا در تعدادی کمتر، آرامش و شکوه شاهان فرهمند و خوشنام را برگزیده است، اما محمد جوکی با فاصله زمانی حدود یک دهه بعد از برادران بزرگ‌تر و پس از پایان شاهنامه‌های آن‌ها، در حالی که احتمال پادشاهی‌اش بسیار فزونی یافته بود، دریافت که گوهرشاد با نفوذ و قدرتی که در برابر شاهرخ دارد، تمام تلاش خود را خواهد کرد تا او را از جانشینی و پادشاهی دور نگه دارد، پس شاهنامه‌ای با موضوعاتی که به شرایط زیسته خود نزدیک‌تر بود فراهم کرد و در این سال‌ها دیگر خیال پادشاهی در سر نداشته است. امید است با توجه به دستاوردهای این متن، با نگاهی تازه و فراتر از بررسی‌های صورتی، به مطالعه تطبیقی و بینامتنی نسخه‌های مصور پرداخت تا با کشف لایه‌های معنایی به برخی پرسش‌های بینارشته‌ای در پژوهش‌های آتی پاسخ داد.

## پی‌نوشت

۱. نام بایسنقر در منابع مختلف با دو املائی بایسنقر و بایسنقر آمده است. با وجود تفاوت‌ها، در اینجا براساس انجامه شاهنامه بایسنقری، این املا به صورت یکسان رعایت شده است.
2. The Persian Book of Kings: Ibrahim Sultan's Shahnama
3. Exploring a Neglected Masterpiece: The Gulistan Shahnama of Baysunghur
4. Iranian Studies
5. Epic of the Persian kings: the art of Ferdowsi's Shahnameh
۶. انجامه متنی است در پایان نسخه‌های خطی که اطلاعاتی درباره سفارش‌دهنده، تاریخ و هنرمندان نسخه در خود دارد.
7. Provincial Shahnameh

## منابع و مآخذ

- اعلامی زواره، زهرا و الهیاری، فریدون (۱۳۹۶). بررسی مشروعیت حکومت تیمور و جانشینان او (۹۱۲-۵۷۷۱ ق.م). با رویکرد به اندیشه‌های سیاسی ایران. پژوهشنامه تاریخ، (۴۸)، ۱۸-۱.
- امیرخانی، غلامرضا (۱۳۹۵). تداوم و تحول در تاریخ‌نگاری ایران (بررسی و تحلیل آثار شهاب‌الدین عبدالله خوافی (حافظ ابرو)). چاپ اول، تهران: طرح نقد.
- بهشتی، طیبه (۱۳۹۵). مروری بر آثار و تولیدات کتابخانه شاهزاده بایسنقر میرزا در هرات. پیام بهارستان، دوره دوم، سال هشتم (۲۸)، ۲۶۰-۲۲۳.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۳). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. چاپ سوم، تهران: زرین و سیمین.
- حافظ ابرو (۱۳۹۵). زبده التواریخ. تصحیح سید کمال حاج‌سیدجوادی، چاپ اول، جلد چهارم، تهران: اساطیر.
- حسینی‌راد، عبدالمجید (۱۳۹۰). شاهکارهای نگارگری ایران. ترجمه کلود کرباسی، ماری پرهیزکاری و پیام پریشان‌زاده، چاپ دوم، تهران: موزه هنرهای معاصر تهران.
- خواندمیر (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر. تصحیح محمد دبیرسیاقی. چاپ چهارم، جلد سوم، تهران: خیام.
- روزبهانی، محمدرضا (۱۳۹۷). تحول مبانی مشروعیت سلطنت: از یورش مغول تا برآمدن صفویان. چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.
- روملو، حسن (۱۳۸۴). احسن التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ اول، جلد اول، تهران: اساطیر.

- رویمر، ه. ر. (۱۳۷۹). تاریخ تیموریان. ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: جامی.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۴). قره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان. چاپ اول، تهران: نشر نی.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۸۷). ابراهیم سلطان بانی مجموعه دارالصفای شیراز. گلستان هنر، (۱۳)، ۹۳-۹۰.
- عبدالله‌یوا، فیروزه و ملویل، چارلز (۱۳۹۷). شاهنامه ابراهیم سلطان. ترجمه اکرم احمدی توانا، چاپ اول، تهران: مؤسسه تألیف و ترجمه و نشر آثار هنری (متن).
- فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱). پیوند سیاست و فرهنگ عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان. چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کاوسی، ولی‌الله (۱۳۸۹). تیغ و تنبور: هنر دوره تیموریان به روایت متون. چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی متن.
- کن‌بای، شیلا (۱۳۸۲). نقاشی ایرانی. ترجمه مهدی حسینی، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه هنر.
- ماحوزی، امیرحسین (۱۳۹۲). الگوی روابط پدر و پسر در شاهنامه فردوسی. ویژه‌نامه همایش بین‌المللی هزارمین سال سرایش شاهنامه فردوسی، بخش دوم مجموعه مقالات، معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۶۰-۱۷۶.
- منز، بناتریس فوربز (۱۳۹۳). ایران عصر تیموری (قدرت، سیاست، مذهب). ترجمه اکبر صبوری، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- منشی، روح‌الله (۱۳۸۹). تاریخ پسندیده، تحریری از ظفرنامه تیموری. تصحیح جمشید کیان‌فر، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۳). تاریخ جامع ایران. چاپ اول، جلد دهم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- میرجعفری، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. چاپ سیزدهم، اصفهان: سمت و دانشگاه اصفهان.
- میرخواند (۱۳۸۰). روضة الصفا فی سیره الانبیا والملوک و الخلفا. تصحیح جمشید کیان‌فر، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- نوحی، نوشین و فرخ‌فر، فرزانه (۱۳۹۹). بازخوانی روایت در نگاره‌های شاهنامه ابراهیم سلطان (مکتب شیراز تیموری) با استناد به نظریه فلسفی هرمنوتیک پل ریکور. کیمیای هنر، (۳۵)، ۱۰۳-۸۷.
- هیلن‌برند، رابرت (۱۳۹۷). بررسی موضوعی شاهنامه شاه تهماسبی (شاهنامه شاهی). ترجمه اکرم احمدی توانا، پیام بهارستان، دوره دوم (۳۲)، ۴۸-۲۹.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- Abdullaeva, F; Melville, Ch. (2008). *The Persian Book of Kings*. (Ibrahim Sultan's Shahnama). Oxford: Bodleian Library University of Oxford.
- Brend, B. (2010). *Muhammad Juki's Shahnamah of Firdausi*, London: Royal Asiatic Society.
- Hillenbrand, R. (2010). Exploring a Neglected Masterpiece: The Gulistan Shahnama of Baysunghur. *Iranian Studies*, Volume 43 (1), 97-126.
- Grabar, O; Blair, Sh. (1992). *The Illustrations of the Great Mongol Shahnama*. Chicago & London: The university of Chicago Press.
- Sims, E. (2002). *Peerless Images*. New Haven & London: Yale University Press.

Received: 2023/03/08

Accepted: 2023/06/05



## The Issue of Succession in the Illustrated Shahnamehs of the Three Timurid Princes (Shahnamehs of Baysunghur, Ibrahim Sultan and Mohammad Juki)

Akram Ahmadi Tavana\* Fattaneh Almasi\*\*

### Abstract

During the ruling of different governments and the reign of various rulers in Iran, the acceptance of the political and royal texts of the Shahnameh and the addition of new meanings through illustrations provided a kind of political-cultural legitimacy for the clients of illustrated Shahnamehs. Throughout the Timurid period and the rule of Shahrokh and his three children, who acted as local rulers and were active in book illustration in the capital or elsewhere, the commissioning of Shahnameh was of special interest. Ibrahim Sultan in Shiraz, Baysunghur, and Mohammad Juki in Herat each had ordered a manuscript of Shahnameh with similarities and differences in their libraries. These Shahnamehs can be discussed in various ways, but the question here is whether these brothers, who all died before their father and never attained the crown, dreamt of becoming the king? Assuming that the illustrated Shahnamehs are influenced by their contexts of origin, can we find a trace of their desire to be the king in these versions? For this purpose, initially, the political position of the princes and how they were crowned and delegated power in the Timurid period was investigated in historical resources. Subsequently, the commission of Shahnameh and historical books in this family and specifically the three Shahnamehs belonging to these three princes have been analyzed. After that, the three components of court scenes, paintings on the subject of father and son, as well as brothers, were examined considering the connection between these manuscripts to the issue of power and succession, according to historical reports. In the end, it is shown that these manuscripts of Shahnameh, with the stories that have been chosen to be illustrated, are in the form of a political statement of its patrons and portray their mentality towards the monarchy.

4

**Keywords:** Succession, Illustrated Shahnameh, Ibrahim Sultan, Baysunghur, Muhammad Juki

\* Instructor - Art Faculty - Tehran Valiasr Girl's Technical University, Iran.

*A\_Ahmaditavana@yahoo.com*

\*\* Instructor Art Faculty - University of Science and Culture, Iran.

*almasifattaneh@gmail.com*